

بررسی منکرات اقتصادی در قرآن

اعظم کربلایی مهدی *

چکیده

بی شک یکی از ضروری ترین و عینی ترین نیازهای بشر در زندگی، نیازهای مالی و معیشتی اوست. انسان بدون توجه و تامین اینگونه نیازها، هرگز قادر به ادامه حیات و حرکت نخواهد بود. همین اساس نیازها تا کنون باعث گردیده است که انسان با همت تمام، تلاش ها و فعالیت های اقتصادی خود را تا آخرین توان و رمق، ادامه داده و لحظه ای از آن غافل نباشند. در متون و منابع دینی هم اینگونه فعالیت ها، به زیبایی تایید و ستوده شده و از آن به عنوان جهاد مقدس تعبیر گردیده است. لذا بهبود وضع اقتصادی افراد جامعه موثرترین راهکار و مکانیسمی است که حقیقتاً می تواند در راه رسیدن به سلامت و امنیت اقتصادی مفید واقع شود، بی تردید احیاء و اجرای دو اصل مهم و مورد توصیه ی دین اسلام یعنی «امر به معروف» و «نهی از منکر» در همه ی عرصه ها و شئون زندگی بویژه عرصه های اقتصادی در این فرایند بسیار اثربخش و راهگشا می باشد. در نظام اقتصادی اسلام، انگیزه فعالیت های اقتصادی تحصیل رضای خداوند است و هدف؛ سلامتی اقتصادی فرد خانواده، اجتماع و امت در مسیر تحقق عدالت اجتماعی و قسط واقعی است. این تحقیق با روش اسنادی و با استفاده از منابع تفسیری دنبال بررسی منکرات اقتصادی در قرآن می باشد. در این راستا به منکرات اقتصادی پرداخته شده و به مواردی از این منکرات مانند احتکار، ربا و رشوه خواری، غش در معامله، اسراف و... مورد بررسی قرار گرفته است.

کلید واژه: منکرات ، اقتصاد، قرآن

*طلبه سطح دو مدرسه ی علمیه حضرت معصومه سلام الله علیها استان تهران، شهرستان دماوند

برای تحقق عدالت در حوزه اقتصاد و تجارت باید شرایطی پدید آید که حقوق مادی افراد جامعه، به نحو مناسب و منطقی در اختیارشان قرار گیرد و زمینه های کار و تولید و تامین نیازهای اولیه برای همگان فراهم شود. قرآن کریم در این باره می فرماید: (و الارض وضعها للانام)^۱ زمین را خداوند برای همه مردم نهاد.

علاوه بر این امکانات و ثروت ها نباید تنها در اختیار قدرتمندان و سرمایه داران باشد. «کیلا یکون دوله بین الاغنیاء منکم» تا فقط میان ثروتمندان شما دست به دست نگردهد.^۲

و نیز هیچ یک از افراد جامعه حق ندارد در احوال دیگران تصرف و به حقوق اقتصادی آنان تجاوز کنند.

خداوند در سوره نساء آیات ۲۹ تا ۳۰ در زمینه تجارت می فرماید: «یا ایُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَیْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا (۲۹) وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عَدُوًّا وَظَلْمًا فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَارًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا (۳۰)»^۳: هان! ای کسانی که ایمان آوردید، اموال خود را در بین خود به باطل مخورید، مگر آن که تجارتی باشد ناشی از رضایت دهنده و گیرنده و یکدیگر را به قتل نرسانید، که خدای شما مهربان است و هر کس از در تجاوز و ستم چنین کند به زودی او را در آتشی وصف ناپذیر خواهیم کرد، و این برای خدا آسان است.

در مورد این آیه روایات متعددی بیان شده است. از جمله در مجمع البیان در ذیل کلمه "الباطل" نقل شده که مفسرین در باره معنای آن دو قول دارند یکی از آن دو، نظریه بعضی است که گفته اند منظور از آن ربا و قمار و بخت و ظلم است، آن گاه خودش اضافه کرده که این قول از امام باقر (علیه السلام) روایت شده. ۴ و در کتاب نهج البیان از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) روایت شده که فرمودند: منظور از باطل قمار و سحت و ربا و «سوگند است».

۱. تفسیر نمونه، ج ۲۳، سوره الرحمن، آیه ۱۰

۲. سوره حشر، آیه ۷

۳. سوره نساء آیات ۲۹ تا ۳۰

۴. «مجمع البیان ج ۲ ص ۸۱ جزء ۵ چاپ حیات طبع بیروت

و در تفسیر عیاشی از اسباط بن سالم روایت آورده که گفت: نزد امام صادق (علیه السلام) بودم که مردی وارد شد، و عرضه داشت از معنای کلام خدای تعالی که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ» مرا خبر بده، حضرت فرمود: منظور خدای تعالی از این باطل قمار است، و اما اینکه فرمود: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ» منظورش این است که یک فرد مسلمان به تنهایی بر انبوه مشرکین حمله ببرد، و به سر زمین آنان در آید، و در نتیجه کشته شود^۱

این آیه شریفه در اکل به باطل عام است، و همه معاملات باطل را شامل می‌شود، و اگر در روایات بالا نامی از خصوص قمار برده شده، به عنوان شمردن مصادیق این اکل است، و هم چنین تفسیر قتل نفس به یک تنه حمله کردن، در حقیقت تعمیم آیه است نه تخصیص آن، نمی‌خواهد بفرماید تنها این مورد منظور است، بلکه می‌خواهد بفرماید همه قتل نفس‌ها و خودکشی‌ها را شامل است، حتی شامل این قسم حمله کردن بر دشمن نیز هست. و در همان کتاب از اسحاق بن عبد الله بن محمد بن علی بن الحسین روایت آورده که گفت: حسن بن زید از پدرش از علی بن ابی طالب (علیه السلام) روایت کرد که فرمود: من از رسول خدا صلی الله علیه و آله (از مساله جبیره پرسیدم، جبیره و باندی که روی دست یا پای شکسته می‌بندند) سؤال این بود که صاحب این جبیره چگونه وضو بگیرد و اگر جنب شد چگونه غسل کند؟ فرمود: همین مقدار کافی است که دست خود را که به آب وضو و غسل تر شده بر روی جبیره بکشد، هم در وضو و هم در جنابت، عرضه داشتم. حال اگر این جریان در هوای سرد و یخبندان اتفاق بیفتد، و صاحب جبیره از ریختن آب بر بدن خود بترسد چطور؟ حضرت رسول (ص) در پاسخ من این آیه را قرائت کردند: "وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا" ۲

۱. تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۲۳۵ حدیث ۹۸

۲. همان ص ۲۳۶ حدیث ۱۰۲

و در کتاب فقیه آمده: که امام صادق (علیه السلام) فرمود: کسی که خود را عمداً به قتل رساند برای همیشه در آتش جهنم خواهد ماند، چون خدای تعالی فرموده: «وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيماً وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدُوّاً وَظُلماً فَسَوْفَ نُصْلِيهِ نَاراً وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيراً» روایات به طوری که ملاحظه می‌کنید معنای آیه را عمومیت می‌دهد، بطوری که شامل به خطر انداختن خود نیز بشود، هم چنان که ما نیز همین عمومیت را از آیه استفاده کردیم و غیر از آنچه از نظر شما گذشت روایاتی دیگر در معنای آن روایات هست، که از نقل آن خودداری شد.^۱

و در الدر المنثور است که ابن ماجه و ابن منذر از ابن سعید روایت کرده که گفت: رسول خدا (ص) فرمود: بیع صحیح تنها آن بیع و خرید و فروشی است که با رضایت طرفین انجام گیرد.^۲ و در همان کتاب است که ابن جریر از ابن عباس روایت کرده که گفت رسول خدا (ص) با شخصی معامله کرد آن گاه به طرف معامله فرمود: اختیار کن او نیز گفت اختیار کردم آن گاه فرمود: بیع چنین است. منظور آن جناب این بوده که طرفین معامله ما دام که در مجلس معامله هستند می‌توانند و یا بگو اختیار دارند معامله را انفاذ کنند و یا فسخ کنند

و در همان کتاب است که بخاری و ترمذی و نسایی از پسر عمر روایت کرده‌اند که گفت: رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: «البيعان بالخيار ما لم يفترقا او يقول احدهما للآخر: اختر» یعنی خریدار و فروشنده ما دام که از هم جدا نشده‌اند اختیار بر هم زدن معامله را دارند، مگر آنکه در مجلس معامله یکی به دیگری بگوید: اختیار کن (یعنی اختیار بر هم زدن و گذراندن معامله را اعمال کن اگر می‌خواهی بر هم بزن که اگر بر هم نزد و فسخ نکرد معامله لازم می‌شود یعنی دیگر حق فسخ ندارد)^۳. عبارت: «البيعان بالخيار ما لم يفترقا»، از طریق شیعه^۴ نیز روایت شده، ۴

۱. «فقیه ج ۳ ص ۳۷۴ حدیث ۲۳».

۲. «در المنثور ج ۲ ص ۱۴۴»

۳. همان

۴. فروع کافی ج ۵ ص ۱۷۰ حدیث ۶

به هر حال علاوه بر آیات قرآن پیشوایان بزرگ اسلام نیز به مساله تجارت اهمیت فراوانی می‌دادند، تا آنجا که در روایت معروف اصبع بن نباته آمده است که می‌گوید: از علی (علیه السلام) شنیدم که بر فراز منبر می‌فرمود: «یا معشر التجار! الفقه ثم المتجر»: "ای گروه تجار! اول فقه بیاموزید، و سپس تجارت کنید" و این سخن را امام علیه السلام سه بار تکرار فرمود ... و در پایان این کلام فرمود: «التاجر فاجر، و الفاجر فی النار، الا من اخذ الحق و اعطى الحق»: "تاجر فاجر است و فاجر در دوزخ است مگر آنها که به مقدار حق خویش از مردم بگیرند و حق «مردم را بپردازند»^۱.

و در حدیث دیگری از امام باقر (علیه السلام) نقل شده است: هنگامی که امیر مؤمنان علی علیه السلام در کوفه بود همه روز صبح در بازارهای کوفه می‌آمد و بازار به بازار می‌گشت و تازیانه‌ای (برای مجازات متخلفان) بر دوش داشت در وسط هر بازار می‌ایستاد و صدا می‌زد: "ای گروه تجار! از خدا بترسید!" هنگامی که بانگ علی علیه السلام را می‌شنیدند هر چه در دست داشتند بر زمین گذاشته و با تمام دل به سخنانش گوش فرامی‌دادند، سپس می‌فرمود: «قدموا الاستخاره و تبرکوا بالسهوله، و اقتربوا من المبتاعین، و تزینوا بالحلم، و تنهوا عن الیمین، و جانبوا الکذب، و تجافوا عن الظلم و انصفوا المظلومین، و لا تقربوا الربا، و اوفوا الکیل و المیزان، و لا تبخسوا الناس اشیائهم، و لا تعثوا فی الارض مفسدین»: از خداوند خیر بخواهید، و با آسان گرفتن کار بر مردم برکت بجوئید، و به خریداران نزدیک شوید، حلم را زینت خود قرار دهید، از سوگند پرهیزید، از دروغ اجتناب کنید، از ظلم خودداری نمائید، و حق مظلومان را بگیرید، به ربا نزدیک نشوید، پیمان‌ها و وزن را به طور کامل وفا کنید، و از اشیاء مردم کم نگذارید، و در زمین فساد نکنید!" و به این ترتیب در بازارهای کوفه گردش می‌کرد، سپس به دار الاماره باز می‌گشت و برای دادخواهی مردم می‌نشست.^۲

۱. کافی جلد ۵ باب آداب التجاره حدیث ۱

۲. «کافی» باب آداب التجاره حدیث ۳

قابل ذکر است که آیه ۳۱ اعراف مشتمل یک دستور مهم بهداشتی است، گر چه واژه لاتسرفوا بسیار ساده به نظر می رسد اما امروزه ثابت شده است که یکی از مهم ترین دستورات بهداشتی همین است. زیرا تحقیقات دانشمندان به این نتیجه رسیده که سرچشمه بسیاری از بیماریها، غذاهای اضافی است. زیرا که بصورت جذب نشده در بدن انسان باقی می ماند. این مواد اضافی هم بار سنگینی است برای قلب و سایر دستگاه های بدن و هم منبع آماده ای است برای انواع عفونت ها و بیماریها، لذا برای درمان بسیاری از بیماریها، نخستین گام همین است که این مواد مزاحم که در حقیقت زباله های تن انسان هستند، سوخته شوند و پاک سازی جسم عملی گردد. عامل اصلی تشکیل این مواد مزاحم، اسراف و زیاده روی در تغذیه «پر خوری» است، و راهی برای جلوگیری از آن جز رعایت اعتدال در غذا نیست، مخصوصا در عصر و زمان ما که بیماریهای گوناگونی مانند بیماری قند، چربی خون، تصلب شرائین، نارسائیهای کبد و انواع سکته ها، فراوان شده. افراط در تغذیه با توجه به عدم تحرک جسمانی کافی یکی از عوامل اصلی محسوب می شود و برای از بین بردن این گونه بیماریها راهی جز حرکت کافی و میانه روی در تغذیه نیست.

در تفسیر نور: ذیل آیه ۳۱ اعراف: یا بنی آدم خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

اشاره جالبی دارد به این مطلب که شاید بتوان گفت آنچه در قرآن با خطاب «یا بنی آدم» بیان می شود مربوط به تمام انسانها و همه ادیان و از مشترکات آنان است.

اسراف در غذا و پر خوری، منشا بسیاری از بیماری های جسمی و روحی و مایه سنگ دلی و محروم شدن از چشیدن مزه ی عبادت است. چنانچه پیامبر (ص) فرمودند: «الْمَعِدَةُ بَيْتُ كُلِّ دَاءٍ» معده کانون هر بیماری است، پزشکی مسیحی پس از شنیدن این آیه و حدیث گفت تمام علم طب، در این آیه و سخن پیامبر شما نهفته است. (۱)

امام صادق (ع) فرمودند: آنچه باعث از بین رفتن مال و زیان رساندن به بدن باشد اسراف است «إِنَّمَا الْإِسْرَافُ فِيمَا أَتْلَفَ الْمَالُ وَ أَضَرَ بِالْبَدَنِ» (۲)

۱. تفسیر مجمع البیان

۲. کافی ج ۲، ص ۴۹۹

و در روایت دیگر می خوانیم : آنچه در راه خدا مصرف شود، هر چند بسیار زیاد باشد اسراف نیست، و آنچه در راه معصیت خدا استفاده شود هر چند اندک باشد اسراف است. (۱)

صرفه جویی با در نظر گرفتن آیه فوق محبوب خداوند است و بهره گیری از زینت و غذا باید دور از اسراف باشد.
«وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»

رابطه اطاعت و تقوا با اسراف : در آیات ۱۵۰ و ۱۵۱ سوره اعراف نخست، خداوند تبارک و تعالی در داستان قوم ثمود به تقوای الهی و اطاعت از فرامین خویش فرمان می دهد : «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید. سپس می فرماید : «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ» و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید.

در شان نزول آیات فوق، و همچنین قرائن دیگر، پاسخ این سوال را روشن می سازد از دو آن اینکه: دستور به رعایت اعتدال در جائی است که بخشش فراوان موجب نابسامانیهای فوق العاده ای در زندگی خود انسان گردد، و به اصطلاح «مَلُوم و محسور» شود.

و یا ایثار سبب ناراحتی و فشار بر فرزندان او گردد و نظام خانوادگی را خطر افکند، و در صورتی که هیچیک از اینها تحقق نیابد مسلماً ایثار بهترین راه است.

1. تفسیر منهج الصادقین

نتیجه :

بی‌تردید احیاء و اجرای دو اصل مهم و مورد توصیه‌ی دین اسلام یعنی «مربہ معروف» و «نہی از منکر» در ہمہ‌ی عرصہ‌ها و شئونات زندگی به‌ویژہ عرصہ‌های اقتصادی در این فرایند بسیار اثربخش و راهگشا می‌باشد. در نظام اقتصادی اسلام، انگیزہ فعالیت‌های اقتصادی تحصیل رضای خداوند است و هدف؛ سلامتی اقتصادی فرد خانوادہ، اجتماع و امت در مسیر تحقق عدالت اجتماعی و قسط واقعی است.

در نظام اقتصاد اسلامی، معروف‌های اقتصادی برای بالا بردن سطح رفاه نیازمندان، توازن اقتصادی و برقراری عدالت اجتماعی وضع شده‌اند.

از نگاہ قرآن مالکیت باید از راه صحیح باشد. مانند: حیازت، تجارت، زراعت، صنعت، ارث، ہدیہ، امثال آن، ولی تصرف از طریق باطل و رشوہ ایجاد مالکیت نمی کند. «لا تاكلوا اموال الناس بالباطل» و جامعہ در حکم یک پیکر واحد است. «بینکم، اموالکم»

رشوہ، حرام است و انسان حق ندارد برای تصاحب اموال مردم رشوہ دہد. «تدلوا بها الى الحکام لتاکوا فریقاً من اموال الناس»

اسلام، مردم را مالک اموالشان می داند. «اموال الناس» و لغزش های آگاهانہ خطرناک است. «وانتم تعلمون»

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن مجید
۲. الحر العامل - الشيخ محمد بن حسن - وسائل الشيعه - طهران مكتبه السلاميه چاپ پنجم سال ۱۳۹۸ هـ.ق
۴. دشتی محمد - نهج الباغه حضرت امام اميرالمومنين على عليه السلام - موسسه تحقيقاتی امير المومنين (ع) - قم بوستان کتاب - قم مرکز چاپ و نشر دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم ۱۳۸۴
۵. محقق داماد، سيدمصطفی (۱۳۶۲)، تحليل و بررسی احتکار از نظر گاه فقه اسلام، تهران: نشر اندیشه‌های نو در اسلام
۶. نهج الفصاحه - پاینده، ابوالقاسم، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲
۷. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، جلد هفتاد و هفت، انتشارات اسلاميه، قم، ۱۳۸۲
۸. ا ثقه الاسلام، کلینی، اصول کافی، ترجمه شیخ محمد باقر کمره ای، انتشارات سوره، تهران، قم، ۱۳۷۹
۹. من لا يحضره الفقيه / تالیف ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابويه القمی الصدوق؛ تحقیق السيد حسن الموسوی الخراسان. مشخصات نشر : تهران: دارالکتب الاسلاميه، ۱۳۹۰ ق = ۱۳۴۳ ش
10. کاشانی ملا فتح الله، تفسیر منهج الصادقین
11. ابن ماجه أبو عبد الله محمد بن یزید القزوينی، وماجه اسم أبيه یزید (المتوفی: ۲۷۳هـ) تحقیق: محمدفؤادعبدالباقي الناشر: دار إحياء الكتب العربیة - فیصل عيسى البابي الحلبي
- ۱۲- راه روشن (ترجمه المحجة البيضاء) فیض کاشانی ، محمد بن شاه مرتضی ، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی : چاپ اول ۱۳۷۲ هجری شمسی

13. نز العمال، ج ٤

14 طباطبائی، محمد حسین، تفسیر المیزان، مترجم، سید محمد باقر موسوی، جلد هجدهم، قم، ۱۳۷۶